



فرارشته‌ای: گزارشی از انجمن ادبیات جهانی و مؤسسه ادبیات جهانی^۱

امیر امینیان طوسی*

دانشجوی دکترای رشته زبان و ادبیات انگلیسی پردیس بین‌المللی دانشگاه شیراز
شیراز، ایران

(تاریخ دریافت: ۲۱ تیر ۱۳۹۵؛ تاریخ پذیرش: ۲۵ مرداد ۱۳۹۵)

مقاله پیش رو تلاشی جهت پوشش‌دادن همایش‌ها و بحث‌هایی که جهت بازتعریف مفهوم ادبیات نه‌تنها در حوزه‌ای که همگی با آن آشنایی داریم، بلکه در مفهومی گسترده‌تر و جهانی است. در واقع، این مقاله در پی یافتن معانی و روابط پیچیده ادبیات در جوامع مختلف، فرهنگ‌های مختلف و پیداکردن اشتراک‌ها و خطوط یکسان در آن‌ها است. ادبیات در جایگاهی بسیار وسیع که قابلیت تأثیرگذاری بر سیاست، اقتصاد و اجتماع را دارد، دارای نقشی کاربردی و فراتر از بینامتنی است. گزارش حاضر با موردمثال‌قراردادن چندین همایش و مطرح‌کردن عناوین اصلی و اهداف آن‌ها سعی بر یافتن خط مشی مشخص جهت واکاوی ادبیات حال حاضر جهان و آینده آن دارد.

واژگان کلیدی: انجمن، ادبیات، جهانی‌شدن، سمینار، فرارشته‌ای.

^۱ این مقاله ترجمه است و اصل آن با مشخصات زیر به زبان انگلیسی چاپ شده است

Domínguez, César and Azcárate, Asunción López-Varela. "Disclosures: A Report on the World Literature Association and the Institute for World Literature". *Literary Research*, Vol.29, No 57-58, 2013, p. 77-97.

* E-mail: aminian68amir@gmail.com

«ادبیات قلب جهان است که تمام شادی‌ها و غم‌ها، آرزوها و امیدها، ناامیدی‌ها و خشم‌ها را دربرمی‌گیرد. تمام احساسات بشر، هنگامی که در مقابل زیبایی‌های طبیعت قرار می‌گیرد و تمام ترس و وحشتی که در برابر عظمت و اسرار طبیعت به آن دچار می‌شود، بخشی از ادبیات هستند.» (گورکی^۱، ۱۹۴۶، ۹۰).

«گاهی اوقات باید حد و مرز رشته‌ها را مشخص کرد. مثل اینکه محلی را با حصارکشی جدا کرده و از آن محافظت کنی.» (فوکو^۲، ۱۹۹۵، ۱۴۱) اگرچه در توضیح میشل فوکو^۲ دربارهٔ مشخص نمودن حدود مرز استفاده از اصطلاح رشته، منظور فقط رشته‌های دانشگاهی نیست، ولی این توضیح، بسیاری از مفاهیم مشترک را دربرمی‌گیرد. در مجموع، رشتهٔ تحصیلی «هنری برای آموزش صحیح» است که «افراد را تربیت می‌کند.» (فوکو^۳، ۱۹۹۵، ۱۷۰)

در تاریخ اجتماعی و اقتصادی انگلستان، اصطلاح انحصار در رابطه با حقوق کشاورزی به نحوی تعریف می‌شد که حق و حدود کشاورزان را در استفاده از زمین برای دامداری و کشاورزی در سیستم مزرعهٔ آزاد تعیین می‌کرد. بدین ترتیب، دیگر زمین‌ها فضایی مشترک نبود. در قرن هجدهم و نوزدهم، مورخان مارکسیست توجه زیادی به «قوانین انحصاری» کردند که به مسائلی نظیر تضاد طبقاتی مربوط می‌شد و در نهایت منجر به حذف طبقهٔ دهقانان در انگلستان شد و علاوه بر تحکیم دولت ملی، طبقهٔ بورژوا در جامعه ظهور کرد (مارکس^۳، ۱۹۹۰، بخش اول ۲۷).

به همین ترتیب، رشته‌های دانشگاهی هر یک محدوده‌ای دارند که افراد تنها پس از به‌تمام‌رساندن برخی مراحل، می‌توانند به آن دست یابند. برای مثال، می‌توان به مراحل اشاره کرد که پایان‌نامهٔ دکترای برای عبور از این حدود طی می‌کند. برخلاف رشته‌ها، مطالعهٔ موضوع‌های مختلف از مرزهای رشته‌ای عبور می‌کند.

با اینکه همواره به تخصصی‌بودن رشته‌ها توجه زیادی می‌شود، توجه به دانش میان‌رشته‌ای تبدیل به نشانه‌ای از علوم روز شده است. این وضعیت در مورد علوم انسانی پیچیده‌تر است، چرا که در این علوم، «بین‌رشته‌ای» تبدیل به شعاری جادویی و انگیزهٔ کلی در سازمان‌دهی مجدد مدیریت دانشگاهی شده است؛ مدیریتی که همواره براساس بودجهٔ محدود و به‌دنبال «به‌دست‌آوردن سود کوتاه‌مدت از طریق سرمایه‌گذاری روی مهارت‌های مفید، کاربردی و درخور سودآوری بوده است» (نوسبام^۴، ۲۰۱۰، ۲).

به‌عکس، ادبیات تطبیقی که یکی از رشته‌های علوم انسانی با ویژگی‌های میان‌رشته‌ای بیشتر است، تبدیل به قربانی اصلی «سودآوری» و «توجیه اقتصادی» به‌عنوان دو واژهٔ کلیدی در فرهنگ نئولیبرالی شده است که دربارهٔ موسسه‌ای یا دانشگاهی به‌کار می‌رود که در نهایت قربانی «منافع تجاری و صنعتی»

¹ Gorki

² Michel Foucault

³ Marx

⁴ Nussbaum

شده است (دریدا^۱، ۲۰۰۱، ۱۹). در دانشگاه‌های آمریکا، بریتانیا و کانادا بسیاری از دانشکده‌های ادبیات تطبیقی یا حذف شده‌اند یا در مراکز، دانشکده‌ها یا برنامه‌های آموزشی دیگر با رشته‌های زبان و ادبیات ادغام شده‌اند. این درحالی است که در کشورهای دیگر (انگلیسی‌زبان یا غیر آن) مانند کشورهای اطراف اروپا، آمریکای جنوبی، ژاپن، تایوان و کشور بزرگ چین این رشته به قوت خود باقی مانده است، و دلیل آن شاید این باشد که ادبیات تطبیقی در این کشورها بعداً به یک رشته تبدیل شده است.

پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در رابطه با ادبیات تطبیقی به سال ۱۹۵۸ برمی‌گردد که پاسخی برای ناتوانی در «یافتن روش خاص و موضوعی ویژه» تلقی می‌شد (ولک^۲، ۱۹۶۵، ۲۸۲؛ همچنین گزارشهای لوین ۱۹۶۵ و گرین ۱۹۷۵). این وضعیت در ۱۹۹۳ تغییر یافت، زمانی که چارلز برمینر^۳ (۱۹۹۵) برتری زبان و ادبیات اروپا، انگلیس و آمریکا را نقد نمود و به‌جای آن بررسی و گفتمان چندفرهنگی را در قالب تحلیل گسترده فرهنگ، ایدئولوژی، نژاد و جنسیت مطرح کرد. باوجود این، برمینر معتقد بود این تغییرات ممکن است رشته را تحت‌تأثیر قرار دهد به‌طوری که «اصطلاح «ادبیات» دیگر نتواند موضوع مطالعات ما را به‌روشنی توصیف نماید.» (برمینر ۱۹۹۵، ۱۵) برمینر همانند پیشینیان خود اصرار داشت دانش زبان‌های خارجی کانون اصلی ادبیات تطبیقی باقی بماند. بعد از گذشت بیش از ده سال که ترجمه اساس جهانی‌شدن ملت‌ها گردید، تطبیق‌گران به‌خصوص در اروپا به چندین زبان تسلط داشتند و با سنت‌های ادبی مختلف آشنا بودند. همچنین آن‌ها از اشکال مختلف تئوری‌های نقد و دانش میان‌رشته‌ای آگاهی داشتند.

این موضوع همچنان مورد بحث باقی ماند. برخی می‌پندارند ادبیات تطبیقی به‌عنوان رشته تحصیلی همواره تحت‌تأثیر تعریف‌های گوناگون از خود مفهوم «ادبیات» است، چنانکه «تاریخ ادبیات تطبیقی به عنوان رشته‌ای دانشگاهی تنها درباره درک پیوسته و عمیق از موضوع مورد مطالعه نیست، بلکه در واقع پیشینه تلاش‌هایی است که برای مشخص کردن آن موضوع صورت گرفته است» (ساوسی^۴، ۲۰۰۶، ۱۲). آیا کلودین گولن^۵ درست می‌گفت که ورود طیف گسترده‌ای از رشته‌های مطالعاتی به ادبیات تطبیقی باعث افزایش قدرت تأثیرگذاری آن شده است؟ آیا این گستردگی می‌تواند مرز رشته ادبیات را کم‌رنگ کند و از ارزش آن بکاهد؟

«میل مبهم هوس» مرکز توجه اکثر مقالات انجمن ادبیات تطبیقی آمریکا^۶ بود. اشخاصی نظیر سوزان بسنت^۸ در سال ۱۹۹۳ یا گاباتری اسپیواک^۱ که ده سال پس از بسنت بود، تلاش می‌کردند

¹ Derrida

² Welck

³ Charles Bernheimer

⁴ Saussy

⁵ Claudio Guillén

⁶ Cet obscur objet du désir, ۱۹۷۷ فیلم فرانسوی تولید سال

⁷ American Comparative Literature Association

⁸ Susan Bassnett

ادبیات تطبیقی را خارج از رویکردهای ملی‌بنیان بررسی کرده و آن را در قالب رشد صنعت ترجمه، مجدداً چهارچوب‌سازی کنند. در این میان، صنعت ترجمه یا ادبیات جهان خود به دنبال فضایی برای مطرح شدن بود، و بحث جایگاه این رشته‌ها در ارتباط با ادبیات تطبیقی نیز همچنان پابرجا است. موضوع مهم این است که ما در اینجا به ادبیات جهان به زبان انگلیسی نمی‌پردازیم؛ هرچند درک مفهوم ادبیات جهان به‌عنوان تک‌زبانی جهانی در قالب زبان انگلیسی باعث ادغام ادبیات تطبیقی در حوزه‌های مطالعات زبان انگلیسی و بالعکس شده است. برای مثال، هندریک بیروس^۲ از ایده ظهور مشترک مقوله ادبیات جهان و رشته ادبیات تطبیقی پشتیبانی می‌کند، در حالی که گالین تیپانو^۳ با چنین ظهور مشترکی مخالف است چرا که معتقد است مقوله ادبیات جهانی سی سال قبل از ادبیات تطبیقی وجود داشته است (تیپانو ۲۰۱۱، ۱۵۰). از میان سایر متفکران، جان اتان کولر^۴ اظهار داشت هیچ رابطه‌ای میان این دو مقوله وجود ندارد و «ادبیات تطبیقی باید با همان ویژگی‌هایی که مردم را به خود جلب کرده، تعریف شود و حدس می‌زنم این ویژگی‌ها به «ادبیات جهان» مربوط نمی‌شوند.» (کولر ۲۰۰۶، ۲۴۶). در نهایت برخی محققان از رشته ادبیات جهان حمایت کردند. هیلیس میلر^۵ بیان می‌کند که «رشته جدید ادبیات جهان» به‌خلاف مطالعات فرهنگی، «ممکن است به‌عنوان آخرین تلاش‌ها برای نجات رشته مطالعات ادبیات تلقی شود.» (میلر ۲۰۱۱، ۲۵۳-۲۵۴)

به‌راستی ادبیات جهان چیست؟ اگرچه مفهوم ادبیات جهان برای اولین بار در نوشته‌های یوهان ولفگانگ فون گوته به‌چشم خورد، خیلی پیش‌تر از اینکه رشته ادبیات تطبیقی معرفی شود، و ادبیات جهان را هدف مطالعه صریح خود قرار دهد. به‌همین ترتیب، «ادبیات تطبیقی» نه‌عنوانی خاص و نه اولین عنوان برای این رشته است (برای مثال، عبارت فرانسوی *chaires de littérature étrangère* (کرسی‌هایی برای ادبیات خارجی قرن نوزدهم) و امثال آن؛ اصطلاحات دیگر مانند *Weltpoesie* (اشعار جهانی گوته^۶ و هردر^۸، *littérature universelle* (ادبیات جهان چارلز رمی^۹) و *littérature générale* (ادبیات عمومی پل ون تیم^{۱۰})؛ در کنار *world literature* (ادبیات جهان) به‌کار رفتند یا گاهی جایگزین آن می‌شدند.

در مبحث رشته‌ای، ادبیات جهان از ابتدا تاکنون به‌عنوان یکی از واحدهای درسی در سطوح مختلف آموزشی تدریس شده و یکی از موضوع‌های پژوهشی درون ادبیات تطبیقی محسوب می‌شود. هرچند

¹ Gayatri Chakravorty Spivak

² Hendrik Birus

³ Galin Tihanov

⁴ Jonathan Culler

⁵ Hillis Miller

⁶ Johann Wolfgang von Goethe

⁷ Goethe

⁸ Herder

⁹ Charles Rémy

¹⁰ Paul Van Tieghem

همه موضوع‌های تدریس شده در هر رشته لزوماً شاخه خاصی را تشکیل نمی‌دهند، همان‌طور که قبلاً بحث شد مباحث میان‌رشته‌ای که مورد مطالعه و پژوهش قرار دارند در بین رشته‌ها مشترک هستند. حال آیا ادبیات جهان بخش ویژه‌ای از ادبیات تطبیقی محسوب می‌شود یا خود رشته‌ای جداگانه است یا صرفاً موضوعی برای بررسی تلقی می‌شود؟ در این میان باید به نظریه فرایند بین‌ادبیاتی توجه کرد که موضوع پیدایش آن از ابتدای مطالعه ادبیات جهان مطرح بوده است. (یورسین^۱ ۱۹۸۹)

جوامع علمی ادبیات جهان را به‌عنوان رشته نپذیرفته‌اند و ارزیابی دقیقی برای تعیین جایگاه درست آن لازم است؛ آیا یک «الگوی جدید» خوانده شود (فوکما^۲ ۱۹۸۲)، روشی در ادبیات تطبیقی، یا «خوانشی متفاوت» (دامروش^۳). به‌علاوه ادبیات جهانی مجموعه مطالبی از سایر حوزه‌ها مانند «نظریه ادبی» را دربرمی‌گیرد که دراصل، کلیات آن نباید براساس یک نوع ادبیات باشد. همان‌طور که رنه اتیمبل^۴ اشاره می‌کند باید توجه داشت که:

«آیا نظریه‌های ادبی بلاغت ادبیات هندی، عربی و چینی و ژاپنی را نادیده می‌گیرند؟ چگونه می‌توانیم حتی بدون تلاش برای درک حداقل آنچه درباره ادبیات سامی، فین‌واوگری، ترک‌مغول، مالزی یا ادبیات شفاهی آفریقا و آثار قبلی کلمبیا می‌دانیم، اقدام به بررسی ادبیات کنیم؟»
(اتیمبل ۱۳، ۱۹۷۵-۱۲)

تاریخ ادبیات جهان بسیار طولانی‌تر از تاریخی است که ادبیات، به‌موضوعی برای تحقیق در ادبیات تطبیقی تبدیل شده باشد. هدف ما این نیست که تاریخ دقیق ظهور ادبیات تطبیقی را تعیین کنیم، اگرچه تمایزی که پل ون تیم^۵ بین ادبیات تطبیقی و ادبیات جهان قائل شد، نقطه عطفی در تاریخ این رشته است. در قرن بیست و یکم «پیدایش مجدد» ادبیات جهان در بحران ادبیات تطبیقی که خود در سال ۱۹۵۸ توسط ولک^۶ روشی انحصاری یا تخصصی تلقی شد، مورد توجه قرار گرفته است.

راه حل پیشینه، فرضیه هنری اچ. اچ ریماک^۷ در سال ۱۹۶۱ است که با تمرکز بر موضوع ادبیات تطبیقی دریافت که از حوزه‌ای درون ادبی (شامل مجموعه کتب غربی) نشئت گرفته و پدیده میان‌هنری (مقایسه ادبیات با دیگر هنرها) و درون‌گفتمانی (مقایسه ادبیات با سایر حوزه‌های علوم انسانی) را در خود گنجانده است. اگر چه تعریف ریماک، تعریفی جامع تلقی می‌شود، اظهارنظرهای جدید، موضوع‌های میان‌هنری و درون‌گفتمانی را رد می‌کند و به‌جای آن به اصل مبحث می‌پردازد؛ اینکه نوع میان‌ادبی فراتر از محدودیت‌های مجموعه کتب غربی رفته و در مطالعات شرق و غرب، مطالعات پسااستعمارگری و اخیراً در ادبیات جهان گسترش یافته است. احیای دوباره ادبیات جهان می‌تواند به

¹ Āurišin

² Fokkema

³ Damrosch

⁴ René Étienne

⁵ Paul Van Tieghem

⁶ René Wellek

⁷ Henry H.H. Remak

خاطر گستردگی این موضوعها باشد. «از آنجا که ادبیات تطبیقی در عصر حاضر بیشتر به سمت ادبیات جهانی می‌رود، ادبیات جهانی مرحله‌ای از ادبیات تطبیقی به شمار می‌رود.» این نقل قول از نینگ وانگ^۱ ذکر شده و در مقدمه نئو هلیکن «ادبیات تطبیقی: به سوی تجدید ادبیات جهانی» آمده است (نینگ وانگ ۲۰۱۱، ۲۴۷).

برخلاف دیگر رشته‌های پژوهشی، ادبیات تطبیقی مجموعه‌ای است که گویی از مراحل و بُعدهای مختلف در فضا نقشه‌برداری می‌کند. بعدها که از فرهنگ‌های مختلف در طول زمان به وجود آمده و تشابه و تفاوت‌های آن‌ها را از نظر موضوع، فرایندهای نشانه‌شناختی، سبک و غیره بررسی می‌کند. طبق «نظریه ادبی» اثر رنه ولک و آستین وارن^۲ در پایان فصل دوم: «اثر ادبی و هنری موضوع ساده‌ای نیست، بلکه سازمانی پیچیده با ویژگی‌های طبقه‌بندی شده است که معانی و روابط متعددی دارند... تجزیه و تحلیل مدرن از آثار هنری با سؤال پیچیده‌ای آغاز می‌شود که به موجودیت این سیستم و طبقه‌بندی آن مربوط می‌شود.» (وارن ۱۹۸۴، ۲۷).

اولین بار ایده ادبیات جهان در ژانویه ۱۸۲۷ در آلمان مطرح شد، زمانی که گوته در مجله هنر و قدمت (*Kunst und Altertum*) به خوانندگان می‌گوید توجه وی به نمایش *Le Tasse* نوشته الکساندر دووال^۳ که اقتباسی از *Torquato Tasso* نوشته ۱۷۹۰ خود گوته بوده جلب می‌شود، و با دلایلی برتر از علایق شخصی می‌گوید: «همه جا افراد درباره پیشرفت نژاد بشر و روابط انسان با جهان می‌خوانند و می‌شنوند. ولی ممکن است این تنها یک کلی‌نگری باشد، و من در جایگاهی نیستم که این مسئله را بیش از این بررسی کنم. باین حال شخصاً حاضرم به اطلاع دوستانم برسانم که بر این باور هستم ادبیاتی جهانی در حال شکل‌گیری است؛ که در آن ما آلمانی‌ها نقشی پرافتخار ایفا می‌کنیم» (گوته ۱۸۲۷، ۲۲۵). تأیید این امر در موضوع نامه وی به دوستش آدولف فردریش^۴ در همان ماه به چشم می‌خورد. «من بر این باورم که ادبیاتی جهانی در حال شکل‌گیری است و ملت‌ها از آن حمایت می‌کنند و این منجر به برقراری روابط دوستانه خواهد شد. آلمانی‌ها بی‌چون‌وچرا در این عرصه فعال خواهند بود و نقش مهمی در روابط دوستانه خواهند داشت.» (به نقل از استریچ^۵ ۲۰۰۸، ۳۴۹).

دیوید دامروش^۶ در «تولد دوباره یک رشته تحصیلی؛ منشأ جهانی مطالعات تطبیقی» باصراحت به تطبیق‌گر و سردبیر اولین مجله ادبیات تطبیقی در اروپا یعنی آقای هوگو ملتز^۷ اشاره می‌کند که نام اثر وی *Acta Comparationis Litterarum Uni versarum* است (دامروش ۱۸۷۷-۱۸۸۸)، دامروش معتقد است که ایده ادبیات جهان برخاسته از اشتیاقی برای نزدیک‌تر شدن هر چه بیشتر و

¹ Ning Wang

² Austin Warren

³ Alexandre Duval

⁴ Adolph Friedrich Carl Streckfuss

⁵ Strich

⁶ David Damrosch

⁷ Hugo Meltzl

جامع‌تر با دگرگونی مکانی (بیگانه‌زدایی) است. درحقیقت، با بررسی سخنرانی گوته دربارهٔ ادبیات جهان خواهیم دید که وی اصرار می‌کند آلمان در میان کشورهای که از مجموعهٔ کتب غنی برخوردار هستند (مثل فرانسه، بریتانیا، ایتالیا و اسپانیا) باید جایگاه برتری داشته باشد. گوته همزمان با اولین اشارات خود به ادبیات جهان، دقیقاً در تاریخ ۳۱ ژانویهٔ ۱۸۲۷، طی نامه‌ای به شاگردش یوهان پیتر اکرم^۱، چنین می‌نویسد:

«من به باوری عمیق رسیده‌ام که «شعر» دارایی جهانی بشریت است. ادبیات ملی دیگر معنایی ندارد. اکنون ما ادبیات ارزشمند جهان را در دست داریم... و درعین حال که برای آثار خارجی ارزش قائل هستیم، نباید خودمان را اسیر آن‌ها کرده و به‌عنوان مدل از آن‌ها استفاده کنیم. ما نباید این ارزش را به چینی‌ها یا صرب‌ها یا کالدرانی‌ها و یا اشراف آلمانی بدهیم. اگر به‌دنبال مدل هستیم باید به یونان باستان برگردیم که همواره آثار زیبای بشریت در آن پیداست. بقیهٔ آثار را باید از جنبهٔ تاریخی بررسی کنیم و آثار زیبا را به خودمان نسبت دهیم.» (اکرم، مذاکره با گوته؛ دامروش ۲۰۰۳، ۱ و ۱۲)

به‌عبارت دیگر، مفهوم کاربردی ادبیات جهان در روابط و مسائل محلی (خود، جامعه و ملت) یا جهانی (دیگری، فراملی) درنهایت به امری پیچیده و نیز «تغییراتی در انگیزه‌ها و شرایط» منجر شده است (بریدر^۲ ۲۰۰۹، ۵۹). تا آن‌جا که ادبیات جهان از منظرهای گوناگون «در پربرکردن شاهکارهای ادبی به‌عنوان بخشی از آثار کلاسیک و شاهکارهای درحال تشکیل نقش عمده‌ای داشته و پنجره‌های متعددی به سوی جهان باز می‌کند» (دامروش ص. ۱۵ به نقل از بریدر ۲۰۰۹، ۵۹).

طبق گفتهٔ دامروش، شکل‌گیری این رشته را می‌توان از یک جنبهٔ برتر برای کاربردی خاص مورد بررسی قرار داد. بدیهی است که چنین تعریف‌هایی موجب شده اشخاصی نظیر مارشل براون^۳ سؤالاتی مطرح کنند. برای مثال، «چگونه پژوهش ادبیات جهان برای کسی که تقریباً تمام عمر خود را به بررسی تنها بخش کوچکی از جهان پرداخته، میسر است؟» (براون ۲۰۱۱، ۳۵۱) بررسی‌های براون اهمیت رویارویی نزدیک‌تر را آشکار می‌کند: «شاید پدیده‌های جهان باتجربه از نزدیک بهتر قابل درک باشد، اکتشاف مرزها، مانند زمانی که لحظه‌ای از افق‌های معمول فراتر می‌رویم.» (براون ۲۰۱۱، ۳۵۲) بدون شک زمانی که افکار در قالب متن از قالب فرهنگ‌ها و زمان‌های مختلف عبور می‌کند، پژوهش‌های جهانی ادبیات پیچیده‌تر شده و تبدیل به مطالعات دور یا «تعامل جدا» (detached engagement) از متن می‌شوند (دامروش ص. ۲۷۷؛ به نقل از براون ۲۰۱۱، ۳۵۰) یا به حالتی مانند فردی سرگردان در بالای دریای از مه نقاشی دیوید فردریک^۴ در سال ۱۸۱۸ تبدیل خواهد شد.

«ادبیات جهان مجموعه‌ای از آثار بی‌شمار و غیرقابل فهم نیست، بلکه نوعی جریان و گونه‌ای از خوانش است، جریانی که قابلیت اجرا بر روی آثار به‌صورت جداگانه و همچنین بر روی بدنهٔ یک اثر

¹ Johann Peter Eckermann

² Braider

³ Marshall Brown

⁴ Caspar David Friedrich

دارد، حالتی که گونه‌ای از خوانش را هم برای آثار کلاسیک و هم برای اکتشافات جدید فراهم می‌کند.» (دامروش ۲۰۰۳، ۵) البته تأکید روی کلمه جریان (circulation) مرتبط با دومین نظریه مهم دامروش است: «ادبیات جهان نوشته‌ای است که به ترجمه نیاز دارد.» (دامروش ۲۰۰۳، ۲۸۱) و اضافه می‌کند «ترجمه را می‌توان به‌عنوان گونه گسترش‌یافته از اصل متن در نظر گرفت، تظاهری واقعی از تبادل فرهنگ و مرحله‌ای جدید از زندگی یک اثر، مرحله‌ای که طی آن اثر از خانه اولش به جهان وارد می‌شود» (دامروش، ۲۰۰۹، ۶۶). براون بر این باور است که: «ترجمه متون اجتناب‌ناپذیر است و بسیار مطلوب تلقی می‌شود. خوانندگان را از فرهنگ و روزمرگی فراتر می‌برد و پنجره‌ای به سوی جهان باز می‌کند. مطالعات پراکنده و وسیع حرف‌های زیادی درباره جهان ادبی دارد ولی درباره جهان در ادبیات حرفی نیست (براون ۲۰۱۱، ۳۶۳). وی همچنین با استفاده از اصطلاح دامروش، بیان می‌کند چنین مطالعه‌ای مثل این است که «جایی برای خود در جهان باز کنی.» (براون ۲۰۱۱، ۳۴۹)

برای همه این مفهوم از شبکه گسترده جهانی^۱ دریافت می‌شود که هر وقت صفحات اینترنتی را یکی پس از دیگری باز می‌کنیم مثل این است که پنجره‌های متعددی به سوی جهان می‌گشاییم: «جهان نمی‌تواند معنا و مفهومی برای ما بیاورد. زیرا چیزی فراتر از آن چه که در افق دید ما پیداست، نهفته است. جهان، ما را با چیزهایی روبه‌رو می‌کند که ارزش‌هایش به صورت دقیق در سرآغاز آن نهفته است» (براون ۲۰۱۱، ۳۵۱). طبق گفته فرانکو مورتی^۲، آیا مطالعه متون پراکنده و مختلف می‌تواند راهی برای حل مشکل فزاینده‌ی اطلاعات باشد؟ آیا باید به‌جای این که «چه چیزی» را بخوانیم، بر روی «چگونه» بخوانیم تمرکز کرد؟ دامروش از اصطلاح «بیضوی» استفاده می‌کند تا چگونگی روش خواندن را که هم خطی است و هم دورانی، شرح دهد. این تصویر کمک می‌کند تا به پیچیدگی الگوها پی برده شود. الگوها صاف و خطی نیستند، بلکه دارای سه بعد هستند که تفاوت‌های زمانی و مکانی با هم هم‌پوشانی دارند (به‌صورت هم‌زمان) و همچنین در قالب فعالیت‌های تکراری یا متفاوت پیش می‌روند. درحقیقت، روش مطالعه باید به‌گونه‌ای باشد که خواننده آثار نویسندگانی نظیر لوئیس بورخس^۳ یا جیمز جویس^۴، احساس بیگانگی نکنند. اما آیا این تنها الگویی است که تغییر می‌کند؟ براون ادعا می‌کند: «پیشنهاد می‌کنم که هم در مفهوم عملی یعنی این که چگونه بخوانیم و آموزش دهیم، و هم در نوع تجارب و برداشت‌هایمان از 'خارجی' بودن متون، تفاوت قائل شویم.» (براون ۲۰۱۱، ۳۵۴) حالا به مشکلی که در مقدمه مطرح شد برمی‌گردیم که هم به انواع انحصار و «حدومرز» اشاره کردیم (براون ۲۰۱۱، ۳۵۲) و هم به تفاوت مطالعه متن‌های ادبی در فرهنگ‌های مختلف پرداختیم.

¹ World wide web

² Franco Moretti

³ Jorge Luis Borges

⁴ James Joyce

ادبیات جهانی چیست؟ روشی برای خواندن و توزیع آثار در جهان (دامروش ۲۰۰۳)، انگلوار پرسه زدن برای تحت‌سلطه قراردادن (براون ۲۰۱۱، ۳۵۰ و ۳۵۲)، جهانی‌سازی در بحران (رابینز^۱ ۱۹۹۹)، کژفهمی و تعبیر نادرست (کازانوآ^۲ ۲۰۰۴)، *Cannibalism in Literature* تسلط گونه‌های برتر ادبی (آندراده^۳)، آثاری که با خواندن آن هرگز احساس نمی‌کنیم در خانه هستیم (لنون^۴ ۲۰۱۰)، حالتی از در معرض اجنبی قرار گرفتن یا راهی برای از خود بیگانه‌شدن است؟ با تعریف براون نتیجه‌گیری می‌کنیم و به خوانندگان اجازه می‌دهیم تا تعریف خود را در رابطه با نظام ادبیات جهان شکل دهند.

«من ادبیات جهان را به‌خاطر وجود عنصر 'غافلگیری' در آن تحسین می‌کنم. هرگاه که حتی برای لحظه‌ای غافلگیر می‌شوم، این همان لحظه‌ای است که با جهان روبه‌رو هستم. بنابراین پیشنهاد می‌کنم که به فرمول دامروش از درون به بیرون بنگریم. برای من ادبیات جهان نوشته‌ای نیست که از ترجمه حاصل شود، بلکه متنی است که بیگانگی خود را حتی در متن مبدأ حفظ می‌کند.» (براون ۲۰۱۱، ۳۶۴)

نشانه بارز تغییر در الگوی رشته‌ها این است که نظام دانشگاهی دچار تغییراتی در انتشارات، کنفرانس‌ها، مؤسسات تحقیقاتی و انجمن‌های حرفه‌ای می‌شود. در تمام این تغییرات، ادبیات جهان در قرن بیست و یکم دوباره ظهور کرده است. انتشارات محیط مناسبی برای مشارکت‌های ادبی فراهم می‌کند ولی کنفرانس‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند، چرا که این‌ها از قدیم، مکانی برای بازسازی رشته‌ای توسط خودشان به حساب می‌آمده‌اند. در مقدمه این گزارش، نگاه کوتاهی به نشریات جدید درباره ادبیات جهان انداختیم. درباره کنفرانس‌ها باید گفت که کنفرانس ژولای ۲۰۱۱ از مهم‌ترین رویدادهای مطالعاتی ادبیات جهان بود.

از ۳۰ ژوئن تا ۳ ژولای سال ۲۰۱۱ اولین کنفرانس انجمن ادبیات جهانی با عنوان «ظهور ادبیات جهان» در دانشگاه پکن به میزبانی ژائو بای‌شنگ^۵ برگزار شد. وی استاد ادبیات جهان تطبیقی و مدیر انجمن ادبیات جهان در این دانشگاه است. مرکز ادبیات جهان توسط هیئت علمی وابسته به چهار بخش ادبیات خارجی در دانشگاه پکن، در سال ۱۹۸۶ تأسیس شد و در سال ۲۰۰۱ هم‌زمان با گسترش آن، به نام مؤسسه ادبیات جهان شهرت یافت. این مؤسسه رشته‌های ادبیات جهان و مطالعات میان‌فرهنگی را در مقاطع کارشناسی‌ارشد و دکترا ارائه می‌دهد.

ژائو بای‌شنگ می‌گوید: «ما در حال ورود به دوران جدیدی از ادبیات جهان هستیم: عصر ادبیات جهان. از ادبیات جهان به جهان ادبیات، همه ما صدایی برای مشارکت داریم» (به نقل از کنفرانس مذکور). جهان ادبیات را می‌توان به‌طور مفصل مورد بحث قرار داد. کنفرانس مذکور جهانی‌بودن ادبیات را با حدود ۲۰۰ سخنران از ۳۰ کشور جهان به‌صورت عملی نشان داد.

¹ Robbins

² Casanova

³ Andrade

⁴ Lennon

⁵ Zhao Bai Sheng

این کنفرانس به شش جلسه برای بررسی شش موضوع تقسیم شد: نظریه‌های ادبیات جهان، زمینه‌های ادبیات جهان، نویسندگان بزرگ و ادبیات جهان، زبان‌های اقلیت و ادبیات جهان، ادبیات ملی به‌عنوان ادبیات جهان و مطالب تاریخ ادبیات جهان. هر جلسه به موضوعی اختصاص داده شد. اشخاصی مانند (دیوید دامروش، ژان بسیئر، هلنا کاروالهو بواسکو، ژانگکون گو، بیودون جییفو، رابرت دیکسون، بکیزی پیترسون، تئو دوهائن، گایاتری اسپیواک، آلفرد هورننگ و اسلوبادانکا گلوور)^۱ در کنفرانس مشارکت داشتند. از آن‌جا که همایش ادبی برگزار می‌شد، جلسات با شعرخوانی آغاز می‌شد و با گفتگو و مناظره جذاب نویسندگان به پایان می‌رسید.

در اینجا نمی‌توان به تک‌تک نظرات و بحث‌ها پرداخت. ولی به سه الگوی مطالعات ادبیات جهان از بین دیگر الگوها اشاره می‌کنیم. اولین الگو استفاده از اصطلاح «ادبیات جهان» است که برای تعریفی جامع برای آن به توافق رسیدند. بحث‌ها مربوط به پیدایش این اصطلاح و ترجمه و مسائل میان‌فرهنگی و غیره بود. دومین الگو شباهت‌های شایان‌توجه بین موضوعات ذکرشده را تحلیل می‌کرد. برخلاف دو الگوی قبل، سومین الگو تفاوت‌های بنیادین سبک‌های دانشگاهی را نشان می‌دهد که آخرین نشانه‌های علمی محلی را تحت تأثیر جهانی‌شدن بررسی می‌کرد. در همایشی که جامعه جهانی دانشمندان علاقه‌مند به موضوع ادبیات جهان در آن گرد هم آمده بودند، الگوی سوم به‌عنوان جالب‌ترین دیدگاه در همایش مطرح شد (بااستفاده از عبارت «صدای ما» در سخنرانی ژائو بای‌شنگ برای توصیف این الگو).
کنفرانس با تأسیس انجمن ادبیات جهان^۲ پایان یافت. بلافاصله پس از آن، اولین مدرسه تابستانی در دانشگاه پکن از ۲۹ تا ۴ ژوئیه در سال ۲۰۱۱ برگزار شد که نتیجه مشارکت انجمن‌های ادبیات جهان دانشگاه پکن و دانشگاه هاروارد^۳ بود.

هرگاه شخصی تاریخ ادبیات جهان را به‌عنوان موضوعی برای مطالعه ادبیات تطبیقی دنبال کند، باید مشارکت آکادمی اروپای شرقی مرکزی را در نظر داشته باشد. جالب است که بورسیه تحصیلی پژوهش محور ادبیات جهان در اروپای شرقی مرکزی سازمان‌دهی نیز می‌شود. برای مثال مؤسسه ای. ام گورکی در سال ۱۹۳۲ یا مؤسسه ادبیات جهان در براتیسلاوا در سال ۱۹۶۴ به این منظور تأسیس شدند. مسئله جالب دیگر این است که تحقیقات گسترده درباره روابط رژیم کمونیستی و رژیم‌های نوین هم در شرق و هم در غرب ظهور یافته و به‌گفته امیر ر. موفتی^۴ «نهاد جهان ادبیات» را تشکیل داده است که این موضوع فراتر از حوزه این گزارش می‌رود.

¹ David Damrosch, Jean Bessière, Helena Carvalhã Buescu, Zhengkun Gu, Biodun Jeyifo, Robert Dixon, Bhekizizwe Peterson, Theo D'haen, Gayatri C. Spivak, Alfred Hornung, and Slobodanka Vladiv-Glover

² World Literature Association (WLA)

³ The Institute for World Literature (IWL)

⁴ Aamir R. Mufti

مؤسسه ادبیات جهان یا IWL توسط دامروش ایجاد شد تا «مطالعات ادبیات جهان در سراسر جهان گسترش یابد و فراتر از مجموعه کتب کلاسیک اروپایی برود؛ مطالعاتی که راجع به نیروهای اقتصادی، سیاسی، دینی و فرهنگی ملت‌ها در جهان باشد» که در وبسایت IWL بیان شده است. هر تابستان جلسات چهارهفته‌ای برگزار می‌شود، افتتاحیه IWL در پکن آغاز شد و در سال ۲۰۱۲ در استانبول برگزار شد و در سال ۲۰۱۳ در هاروارد خواهد بود.

مؤسسه ادبیات جهان (IWL) سال ۲۰۱۱ با گروهی از شصت شرکت‌کننده از کشورهای مختلف جهان نظیر استرالیا، بلژیک، چین، دانمارک، مصر، آلمان، کره، لهستان، پرتغال، اسپانیا، تایوان، ترکیه، انگلستان و ایالات متحده آمریکا برگزار شد که شامل چهار سمینار بود و هر دوهفته یک‌بار برگزار می‌شد. مقداری بودجه به‌منظور تسهیل مشارکت محققان از مناطق کم‌درآمد در نظر گرفته شد. آقایان ژائو بای‌شنگ و دامروش میزبان بودند و در میان محققان مدعو تئو دوهائ^۱ (دانشگاه کاتولیک لون) و ژانگ لانگسی^۲ (دانشگاه سیتی هنگ‌کنگ) حضور داشتند. مهم‌ترین موضوع‌ها درباره ادبیات جهان مورد بحث قرار گرفت که در اینجا به‌خلاصه‌ای از چهار سمینار می‌پردازیم.

دوهائ یکی از سر دبیرهای مجموعه کتاب‌هایی مانند «همراهی روتلج با ادبیات جهان» و «ادبیات جهان: خواننده و نویسنده مجموعه کتاب‌های تاریخ ادبیات جهان» است که درباره مفهوم و گسترش ادبیات جهان و اهمیت ترجمه در سمینار خود سخنرانی کرد و به آثار سوزان بسنت، امیلی اپتر و سایرین اشاره‌ای نمود. دوهائ همچنین درباره ادعاهای دامروش در کتاب «ادبیات جهان چیست؟» سخنرانی کرد. شرکت‌کنندگان نیز در بررسی عوامل اقتصادی و سیاسی اجتماعی که در جریان ادبیات جهان دخیل هستند، اظهار نظر کردند. این گروه همچنین به بررسی اثر فرانکو مورتی پرداختند. وی «فرضیه‌هایی درباره ادبیات جهان»، نقشه‌ها، نمودارها، نمودارهای درختی و هر چیزی که مربوط به «مطالعات پراکنده و مختلف» بوده، ارائه کرده است. حضور چند شاگرد مورتی سمینار را جالب‌تر کرده بود. دوهائ درباره روش مشابهی که منتقد فرانسوی، پاسکال کازانوا به کار برده، یعنی انقلاب جهانی حروف^۳ صحبت کرد. کازانوا از نظریات پیئر بورديو به‌عنوان جامعه‌شناس استفاده کرد تا ببیند چگونه و از چه راه‌هایی نویسندگان آثار خود را در شهرهای بزرگ منتشر کرده و شهرت جهانی به‌دست آورده‌اند و سپس تبدیل به ادبیات جهان شده‌اند. از دیگر نقدهای گروه، بررسی اثر گایاتری اسپیواک یعنی «مرگ یک رشته تحصیلی» بود. اسپیواک، استاد دانشگاه کلمبیا است که در اثر ذکر شده به اهمیت ترجمه می‌پردازد و از فراگیری زبان حمایت می‌کند. وی ترجمه را مسئولیتی اخلاقی و تعهدی خطیر در برابر جهانیان می‌داند و لازمه اجرای این رسالت را تجدید نظر درباره خودمان و دوری کردن از تعصبات فرهنگی می‌شمارد. یکی دیگر از موارد مورد بررسی اثر امیلی اپتر «در حوزه ترجمه» است که رابطه

¹ Theo D'haen

² Zhang Longxi

³ The Revolution of World Letters

تاریخ ترجمه را با ادبیات تطبیقی در آثار لئو اسپیتزر و اریک اورباخ بررسی می‌کند. هر دو نفر آن‌ها مانند مهاجران دیگری همچون سعید، دریدا و اسپیواک طی جنگ جهانی دوم به استانبول تبعید شده بودند. برخلاف اسپیواک، اپتر نیاز به حضور زبان در خط مقدم را زیر سؤال برده است و با برجسته‌سازی ظرفیت بالقوه ترجمه به عنوان «فضای سوم» آن را به عنوان عامل تغییر شکل پیش‌فرض‌های محدودکننده فرهنگی معرفی می‌کند. در نهایت، لارنس ونوتی (دانشگاه تمپل) در «نامرئی بودن مترجم: تاریخ ترجمه و رسوایی ترجمه: به سوی رعایت اصول اخلاقی در تفاوت‌ها» همانند اسپیواک بر رسالت مترجم و مسئولیت‌های اخلاقی وی تأکید دارد. تلاش‌های ونوتی، شیوه‌های دیگری از ترجمه را بنا نهاد که به جای شبیه‌سازی، تفاوت‌های فرهنگی را نشان می‌دهد و از این طریق، جایگاهی برای تولید رسوم جایگزین ایجاد می‌کند. در آخر سمینار، دوهائن، اثر وانگ نینگ (مدیر مرکز ادبیات تطبیقی در دانشگاه شینهوا) مورد بحث قرار داد.

ژانگ لانگکسی استاد کرسی ادبیات تطبیقی و ترجمه در دانشگاه سیتی هنگ‌کنگ و عضو آکادمی رویال سوئد است. از کتاب‌های او می‌توان به این موارد اشاره کرد: «شباهت غیرمترقبه: مطالعه فرهنگ‌ها؛ تفاوت نیروها: از تناقض‌ها تا تفاوت‌های مطالعات تطبیقی چین» و «مقدمه‌ای بر ادبیات تطبیقی». لانگکسی در سمینار خود به موقعیت این رشته در چین پرداخت و عملاً تطابق جهانی را بین منابع غربی و غیرغربی مورد مطالعه قرار داد. وی همچنین ایده‌هایی برای تدریس ادبیات جهان داشت. مثلاً زمینه‌های میان‌فرهنگی نظیر «استعاره سفر زندگی» از آثار دانته، خیام و لی‌بای گرفته شده است. این سمینار همچنین تحقیقات ژوگون کوان‌ره در زمینه روان‌شناسی و زیبایی‌شناسی را معرفی کرد. اشارات میلتنون^۱ به چین و تاریخ غزل میلتنون درباره نابینایی‌اش مطرح شد (اولین شعر غربی که به زبان چینی ترجمه شده است). همچنین کوان ژانگ‌شو به صورت پراکنده و مجموعه‌وار مقالات زیادی درباره تطابق ادب کلاسیک چینی‌ها و ادب اروپای غربی داشت که بررسی شدند. سمینار ژانگ به محققان غربی پیشنهاد داد که از ادبیات خود فراتر روند و از ادبیات و دانش چینی به عنوان انتقال میان‌فرهنگی و نه به عنوان میراث فرهنگ‌های بسته بهره جویند.

ژائو بای‌شنگ در مطالعات زندگینامه‌نویسی و شرح حال‌نویسی تخصص دارد و آثار وی شامل موارد زیر است: «سرستون ایالات؛ زندگی‌نامه»، «توصیف؛ روشن‌فکران چینی»، «نظریه‌ای درباره شرح حال‌نویسی»، مقالاتی درباره ادبیات اروپایی و آمریکایی، «جایزه نوبل در ادبیات»، و مقالاتی در رابطه با «بوم‌شناسی و ادبیات آفریقایی». سمینار وی درباره مکانیزم‌های پیچیده عبور از مرزهای شرق و غرب و پیامدهای فرهنگی آن بود. مکانیزم‌هایی مثل مهاجرت، استعمارگری، غرب‌گرایی، گسترش مارکسیسم و پدیده جهانی شدن مورد بحث قرار گرفت. همچنین به نکاتی مثل بارور شدن زبان‌های اقلیت و نقش زبان‌های جهانی غیرانگلیسی مثل عربی، چینی، فرانسوی، پرتغالی، روسی و اسپانیایی در عصر

¹ John Milton

ادبیات جهان اشاره شد. از میان آثاری که مورد بحث بودند به چند مورد اشاره می‌کنیم: «توفیق الحکیم؛ مقدمه‌ای برای پادشاه ادیب^۱»، «ادبیات آفریقایی؛ گلچینی از نظریه‌ها و نقدها»، «استفان اوون؛ اشعار جهانی چیست؟»، «سلمان رشدی؛ وطن‌های خیالی»، «مایکل بروبی؛ مقدمه: انگلیسی جهانی»، «هاجین؛ نویسنده‌ای مهاجر»، «نگوگی واتینگو؛ بازگشت به خانه؛ مقاله‌هایی درباره ادبیات آفریقایی و کارائیب»، «کیان ژانگ‌شو؛ مجموعه‌ای از مقالات کیان ژانگ‌شو»، «فرهنگ و سیاست»، «هو شی؛ رنسانس چینی‌ها»، «تی‌آن ژانگ‌شو؛ مجموعه مقالات انگلیسی تی‌آن ژانگ‌شو؛ نیاز به غرب‌گرایی کامل» و «جان فربانک؛ پاسخ چینی‌ها به غرب».

در نهایت، دامروش در سمینار خود به بررسی تنش‌های بین مطالعه پراکنده و مطالعه دقیق پرداخت. آثار در قالب ترجمه انگلیسی بررسی شده بودند، ولی وجود زمینه‌های گوناگون تولید و اشاعه آثار سبب بحث درباره محتوای ذات پیچیده ترجمه شد؛ ویژگی مهمی که قبلاً اسپيوک نیز به آن باعنوان «ترجمه‌ناپذیری» (اپتر و ونوتی) متون اشاره کرده بود. گوته در نامه‌ای به توماس کارلایل^۲ (۱ ژانویه ۱۸۲۸) درباره ترجمه انگلیسی اثر خودش *Tasso* صحبت می‌کند: «مایلم نظر شما را راجع به این که چقدر این تاسو می‌تواند انگلیسی باشد، بدانم. نظر شما کمک زیادی به من خواهد کرد. چرا که ارتباط متن اصلی با متن ترجمه شده در حقیقت رابطه کشوری را با کشور دیگر بیان می‌کند و هر کسی باید بداند گذر ادبیات جهان از مرزهای ملی اهمیت زیادی دارد.» (استریچ ۲۰۰۸، ۳۴۹-۳۵۰). شبکه گسترده بین‌المللی برای مشارکت آثار در ادبیات جهان کافی نیست. مطالعات و نمونه‌هایی که در سمینار دامروش بررسی شد، توصیف مجدد، مبادله ادبی و جریان دانش جهانی را از نو شرح داد. همچنین عواملی نظیر ارزش هنری و تأثیر یک اثر خاص بر پیشرفت انسان در عرصه جهانی بررسی شد. البته جوانب اقتصادی و سیاسی ادبیات جهان، مرکز توجه IWL در سال ۲۰۱۲ بود. تنوع اعضای سمینار دامروش که طیف گسترده افرادی از فرهنگ غربی و غیرغربی بود، ابعاد جالب‌تری به بحث‌ها می‌داد. انتخاب دامروش از بین مقالاتی که دیدگاه‌های اقلیت را درباره ادبیات جهان شرح می‌داد، بسیار مسئله‌ساز بود. دیدگاه‌هایی مربوط به تفاوت‌های جنسی، فرهنگ‌های پسااستعماری و ادبیات آنلاین (که هنوز برخلاف استفاده گسترده از اینترنت، جزئی از بخش آکادمیک نیست).

چندین سخنرانی ویژه برای IWL در سال ۲۰۱۱ تدارک دیده شد که گایاتری اسپيوک، آلفرد هورنانگ (دانشگاه مانیز) و نیز دو هائین، ژانگ لانگکسی، ژائو بیشنگ و دامروش در آن شرکت کردند. همایش IWL سال ۲۰۱۲ با ۱۱۰ شرکت‌کننده از سراسر جهان، یعنی تقریباً دو برابر سال قبل، در دانشگاه بیلگی استانبول به میزبانی مراد بلگی و ژاله پارلا برگزار شد. هشت سمینار (چهار بار در هر دو هفته) در تلاش برای حفظ استانداردهای ارائه شده در پکن و با حضور چهره‌هایی مانند: «غدير جلال

¹ T'an Ssu-t'ung

² John K. Fairbank

³ Thomas Carlyle

(دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا)، بروس رابینز (دانشگاه کلمبیا)، امیر. ر. مفتی (UCLA)، مارتین پاچنر (دانشگاه هاروارد)، پائولو هورتا (دانشگاه نیویورک ابوظبی)، ایلینا اورایچ (دانشگاه ایالتی آریزونا) و سخنرانان مهمان، اورهان پاموک (دانشگاه کلمبیا) و کادر کنوک (دانشگاه میشیگان)^۱ اجرا شد. غدیر مؤسس مطالعات بین‌المللی آمریکا، سردبیر سابق «ادبیات جهان امروز» و نویسنده آثار زیر است: «کلمبوس و پایان زمین: کلام نبوی اروپا به عنوان ایدئولوژی فاتح^۲»، دیگر نوشته‌ها: «مقالاتی پسااستعماری در فرهنگ ادبی آمریکای لاتین^۳» و «یادداشت‌هایی از شهر محصور؛ خط زندگی برای پایداری فرهنگی^۴». وی سرپرست سمیناری تحت‌عنوان «هنگامی که ادبیات، جهان را ملاقات می‌کند» بود. این سمینار در هشت جلسه، طی دو هفته برگزار شد و طی آن آثار برگزیده متن‌محور که بر ادبیات جهان تأثیرگذار بودند، بررسی شدند. فهرستی از مطالعات موجود در جلسه چهارم شامل موارد زیر است: «حقایق ضد و نقیض؛ یک پیکره متنی» اندرو مارول و «به معشوقه عشوه‌گر او»؛ ناتانیل هاتورن «دختر راپاچینی»؛ یاسوناری کاواباتا: یک‌دست؛ و الن پیل، تصور بدن ساخته: از تندیس به سایبورگ^۵.

مارتین پاچنر در «شعر انقلابی؛ مارکس، پیشگامان» این چنین استدلال می‌کند که برداشت‌گفته از ادبیات جهان مبتنی بر اقتصاد و بازار بوده است که مارکس و انگلس^۶ در بیانیه‌های کمونیستی خود (۱۸۴۸) به آن رسیده‌اند و از اصطلاح «ادبیات جهان» برای توصیف متون ادبی طبقه بورژوازی استفاده می‌کردند. دامروش در «تولد دوباره یک رشته: ریشه‌های جهانی مطالعات تطبیقی»، به هاجسون مکالی^۷، محقق ایرلندی اشاره می‌کند که وی از نام این رشته «ادبیات تطبیقی» برای عنوان کتاب خود استفاده کرده است و ادبیات جهان را به‌عنوان قیامی در محیط امپراطوری اواخر دوره باستان که قبل از پیدایش ادبیات ملی بوده، معرفی می‌کند: «پس ضروری است که قهرمانان جهان به کشف طبیعت مشترک انسان‌ها فارغ از تفاوت‌های زبانی، اجتماعی، جنسی و جغرافیایی بپردازند (دامروش ۲۰۰۶، ۱۰۶). علاوه بر آن، سمینار IWL پاچنر در سال ۲۰۱۲ به بررسی «ادبیات سرمایه‌داری»^۸ پرداخته

¹ Djelal Kadir (Pennsylvania State University), Bruce Robbins (Columbia university), Aamir R. Mufti (UCLA), Martin Puchner (Harvard University), Paulo Horta (New York University Abu Dhabi), Ileana Orlich (Arizona State University), as well as the hosts Parla and Belge, and the guest speakers Orhan Pamuk (Columbia University) and Kader Konuk (University of Michigan)

² Columbus and the Ends of the Earth: Europe's Prophetic Rhetoric as Conquering Ideology

³ Postcolonial Essays in Latin America's Writing Culture

⁴ Memos from the Besieged City: Lifelines for Cultural Sustainability

⁵ "Counterfactual Facts—The Textual Corpus," were Andrew Marvell, "To His Coy Mistress" (ca. 1650); Nathaniel Hawthorne, "Rappaccini's Daughter" (1844); Yasunari Kawabata, "One Arm" (1969); and Ellen Peel, "Imagining the Constructed Body: From Statues to Cyborgs" (2009)

⁶ Engels & Marx

⁷ Hutcheson Macaulay Posnett

⁸ Capitalism

است. موضوع‌های سمینار وی بدین شرح است: (فرانکو مورتی: «ایبسن و روح سرمایه‌داری»، میلان کوندرا: «ادبیات جهان»، آدام اسمیت: «سرمایه‌های ملی»، ماکس وبر: «اصول پروتستان‌ها»، مارشال برمن: «تجربه مدرنیته»، کارل مارکس: «سرمایه‌داری»، پاچنز: «شعر انقلابی»، برتولت برشت: «در جنگل شهرها» و دیوید مامت: «گلن گری گلن راس»^۱.

به‌همین ترتیب، مراد بلگی، روشنفکر جناح چپ لیبرال‌ها، منتقد ادبی، مترجم، مقاله‌نویس، فعال حقوق بشر و راهنمای پاره‌وقت تور در انجمن IWL در سال ۲۰۱۲ شرکت کرد و فرایندهای لیبرالیسم^۲ را «در غرب‌گرایی ادبیات داستان‌نویسی ترکی و روسی طی امپراطوری عثمانی» شرح داد. سمینار وی تاریخ و ادبیات روسی و تأثیر آن بر شکل‌گیری افکار جدید عثمانی را معرفی کرد. از جمله، آثاری که در این سمینار بررسی شدند، بدین شرح‌اند: آثار (گورکی، لرمانتوف، پوشکین، گوگول، اوبلاموف)^۳ و همتایان ترکی آن‌ها یعنی، «فهمیم بی یا سوآت در صلح»^۴.

گوته در نامه‌ای (۱۱ ژوئن ۱۸۲۷) به کنت استولبرگ^۵ چنین می‌نویسد: «شعر پدیده‌ای جهانی است و هر چه جالب‌تر و هیجان‌انگیزتر باشد، ویژگی‌های ملی را بهتر نشان می‌دهد» (گوته ۱۹۹۴، ۲۲۷). «احساسات ادغام‌شده» عنوانی است که جیمز کلیفورد^۶ در اظهار نظر برای مجموعه مقالات درباره جهان‌شهرگرایی انتخاب کرده است. وی چنین می‌نویسد: «ما همواره با شمشیر دولبه سر و کار داریم» (کلیفورد ۱۹۹۸، ۳۶۴). بروس رابینز (دانشگاه کلمبیا) نویسنده «حرکت صعودی جامعه و منفعت عام؛ به سوی تاریخ ادبی»، «احساس و آرامش جهانی؛ انترناسیونالیسم^۷ در بحران»، همچنین ویراستار «جهان وطنی؛ تفکر و احساس فراتر از فضای ملی»، امانوئل والراشتین^۸: «مشکلات جهان؛ نظام، معیار و فرهنگ» و اخیراً کتاب «جنگ دایم؛ کیان جهانی و خشونت». رابینز نگرش جهان‌وطنی را به‌عنوان قدمی مثبت از سوی جهان‌نگری مطرح می‌کند و از این طریق زمینه‌ساز مباحثی درباره نگرش جهان‌وطنی و استقبال از تنوع دارایی‌های حاصل از تقابل مردم و فرهنگ‌ها می‌شود. رابینز با تأکید بر نابرابری اقتصاد جهان و خشونت، به مسئولیت‌های روشنفکران و کاهش سلطه اقتصادی و سیاسی ایالات متحده آمریکا اشاره می‌کند. سمینار وی بحث را به سمت ایدئال جهان‌وطنی سوق می‌دهد، ایده‌ای که

^۱ Franco Moretti, "Ibsen and the Spirit of Capitalism"; Milan Kundera, "Weltliteratur"; Adam Smith, from *The Wealth of Nations*; Max Weber, from *The Protestant Ethic*; Marshall Berman, from *All That Is Solid Melts into Air*; Karl Marx, from *Capital*; Puchner, from *Poetry of the Revolution*; Bertolt Brecht, *In the Jungle of Cities* and "Notes on the Opera *Aufstieg und Fall der Stadt Mahagonny*"; and Mamet, *Glengary Glen Ross*.

^۲ Liberalism

^۳ Gorki, Lermontov, Pushkin, Gogol, Oblomov

^۴ Fahim Bey or Suat in *Huzur*.

^۵ Count Stolberg

^۶ Clifford, James

^۷ Internationalism

^۸ Wallerstein, Immanuel Maurice

شامل وابستگی‌های محلی مانند ملی‌گرایی است و درعین‌حال، در حال تبدیل شدن به نوعی جهانی‌سازی منتقدگر است. از میان موضوع‌ها و متن‌هایی که بررسی شدند، به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: (فیصل دوجی): «تروریست؛ در جستجوی انسانیت»، بندریت اندرسون: «ناسیونالیسم دور»، آمیتا قوش: «دریای خشک‌شده»، توماس پوگی: «جهان وطنی؛ یک دفاع»، آرجون آپادورای: «تعارض و تفاوت در اقتصاد جهانی»، مارک گوودل: «اصلاح مدرنیته: جهان‌بین‌المللی بومی در بولیوی»، الکساندر بیروفت: «ادبیات جهان بدون خط تیره»، مایکل روثبرگ: «حفاظت چندجانبه: خاطره هولوکاست در عصر مبارزه با استعمارگری»^۱ و بسیاری دیگر.

احتمالاً امیر مفتی (UCLA) یکی از مهم‌ترین چهره‌ها در مطالعات استعماری و پسااستعماری باشد. وی دارای مدرک دکترا از دانشگاه کلمبیا و از شاگردان ادوارد سعید^۲ است. مفتی مانند پاچنر به مباحث مارکسیسم و زیباشناسی و همچنین فرهنگ اقلیت جهانی علاقه‌مند بوده است. اثر وی سکولاریزاسیون^۳ را از جنبه مقایسه‌ای و تطبیقی بررسی می‌کند. سعید تمایل ویژه‌ای به اسلام و عصر مدرنیته هند و هویت سیاسی فرهنگی یهودیت در اروپای غربی نشان می‌دهد. او کتاب‌های «سکولاریته بحرانی» و «رابطه خطرناک؛ جنسیت و ملت» و «چشم‌انداز پسااستعماری» را ویرایش کرده است. آخرین کتاب وی «روشنگری در مهاجرت: پرسش‌های یهودیان و دوگانگی در فرهنگ پسااستعماری» است که از سکولاریزم در جوامع پسااستعماری انتقاد می‌کند.

این سمینار، نبود تقارن در بخش پنهانی و بخش ظاهری ادبیات جهان را معرفی می‌کند. مطالعات و آثار بررسی شده در این سمینار بدین شرح است: ادوارد سعید: «سکولاریته و روش‌شناسی امپریالیسم»، «شرق‌شناسی»، امیلی اپتر: «ترجمه جهانی»، ریموند شواب: «از رنسانس شرقی». همچنین آثار منظوم و منثور تاگور، بورخس، اورهان پاموک و دیگران نقد شد.

در سال ۲۰۱۱ پائولا هورتا^۴ میزبان نشست سالانه انجمن ادبیات تطبیقی آمریکایی در دانشگاه سیمون فراسر ونکوور واقع در کانادا بود. وی تحت تأثیر «هزارویک شب» و اثر نویسنده قرن شانزدهم پرتغالی لوئیس دوکاموس^۵، درباره تبادل فرهنگی مطالب زیادی نوشته است. در این سمینار مشترک با

¹ Faisal Devji, *The Terrorist in Search of Humanity*, Benedict Anderson, "Long-Distance Nationalism"; Amitav Ghosh, *Sea of Poppies*; Thomas Pogge, "Cosmopolitanism: A Defense"; Arjun Appadurai, "Disjuncture and Difference in the Global Cultural Economy"; Mark Goodale, "Reclaiming Modernity: Indigenous Cosmopolitanism in Bolivia"; Alexander Beecroft, "World Literature Without a Hyphen"; Michael Rothberg, *Multidirectional Memory: Remembering the Holocaust in the Age of Decolonization*;

² Said, Edward Wadie

³ Secularization

⁴ Raymond, Schwab

⁵ Paulo Horta

⁶ Camões, Luís Vaz de

دامروش تحت‌عنوان «زمینه‌هایی برای تطبیق» نظریه‌های (دتی ان، مورتی، کازانوا، اپتر، یانگ^۱) و دیگران در مقابل نمونه‌های متفاوت ادبی مورد بحث قرار گرفت. همچنین ترجمه و اقتباس «هزارویک شب»، «داستان پورتر و سه دختر جوان» و نظریه لارنس ونوتی یعنی، نامرئی بودن مترجم مطرح شد. ایلینا اوریچ^۲ نویسنده کتاب‌های «اسطوره و مدرنیته در رمان رومانی قرن بیستم» و «تبین جنسیت و داستان‌سرایی ملی؛ زن‌سالاری در ادبیات داستانی رومانی» است. سمینار وی درباره «ترجمه فرهنگی و بازخلق نمایشی؛ سیاست و جامعه در عصر مدرن و تئاتر معاصر» بود که ادبیات جهانی را در چهارچوب تولیدات تئاتر (پایدارترین و غنی‌ترین میراث فرهنگی) بررسی می‌کرد. سمینار وی نشان داد که تئاتر چگونه شرایطی ویژه از تعامل فرهنگ و سیاست در جامعه را ارائه می‌کند. اعضای سمینار با مقایسه و تحلیل چندین نمایش توانستند به وضوح درک کنند که چگونه تئاتر مدرن و معاصر در ارتباط با مدل‌های کلاسیک و سیاست موجود، تکامل یافته است. به‌خصوص، اوریچ به رویدادهایی مانند انقلاب بلشویکی^۳، نفوذ استالینیسم^۴ در بلوک کشورهای شوروی سابق و انحلال امپراطوری‌های استعماری توجه دارد. این سمینار همچنین به بررسی نمایشنامه‌نویسان تحسین‌شده‌ای چون (تام استوپارد، و نمایندگان آن‌ها برای «سیاست‌های توتالیر (خودکامه)» در دوره معاصر اشاره کرد. آثار ذیل نیز مورد نقد قرار گرفتند: کاریل چرچیل: «جنگل شیفته»، ماتی ویسنی‌یک: «بدن زن به عنوان میدان جنگ در جنگ بوسنی»، وول سوینکا: «مرگ و سوارکار شاه» و «قصابان نیجریه». در کنار این‌ها زیبایی‌شناسی استالینیستی (گوگول، مایاکوفسکی، زامیاتین)^۵ و کمونیسم به عنوان سیاست بدون بازگشت و بسیاری از آثار جالب دیگر در سمینار قرائت شد.

گوته در نامه‌ای (۲۱ می ۱۸۲۸) به کارل زلتر^۶ چنین می‌نویسد: «ادبیات جهانی که من تعریف کرده‌ام، به‌طور تهدیدکننده‌ای مانند شاگرد جادوگری از ما پیشی گرفته است: اسکاتلند و فرانسه همه روزه در حال تولید آثار هستند و در میلان روزنامه‌ای باعنوان *L'Eco* منتشر می‌کنند» (به نقل از استریچ ۱۹۴۹، ۳۵۰). این نقل قول از گوته به ما کمک می‌کند تا کنفرانس ژاله پارلا^۷ تحت عنوان «دگردیسی و ادبیات جهان» را بهتر درک کنیم. ژاله پارلا از کالج رابرت و دانشگاه هاروارد مدرک ادبیات تطبیقی گرفت و ابتدا در دانشکده زبان‌ها و ادبیات غربی، دانشگاه بغازیچی و سپس در سال

¹ Detienne, Moretti, Casanova, Apter, Young

² Ileana Orlich

³ Bolsheviks Revolution

⁴ Stalinism

⁵ Tom Stoppard, and their representation of totalitarian politics in contemporary stage. Readings for this seminar included: Caryl Churchill, *The Mad Forest*, Matei Visniec, *The Body of Woman as Battlefield in the Bosnian War*; Wole Soyinka, *Death and the King's Horseman* and "The Butchers of Nigeria"; as well as Stalinist aesthetics (Gogol, Mayakovsky, Zamyatin)

⁶ Carl Zelter

⁷ Jale Parla

۲۰۰۰ در دانشگاه بیلگی در حوزه ادبیات تطبیقی فعالیت می‌کرد. از جمله کتاب‌های وی می‌توان به «پدران و پسران؛ ریشه معرفت‌شناسی در رمان ترکی»، «رمان‌ها از دن کیشوت تا امروز»، تسلط، شرق‌شناسی و برده‌داری اشاره کرد. سمینار او دگردیسی در نویسندگان مختلفی چون (اوید، روسو، هافمن، شلی، گوگول، بورخس، ناباکوف، کافکا، کوئتری و پاموک)^۱ در رابطه نزدیک با حوزه‌هایی مثل روان‌شناسی (فروید، یونگ، لاکان)^۲، فلسفه و گروتسک^۳ و رئالیسم جادویی^۴ را بررسی می‌کرد. از دیگر مطالعات انتقادی سمینار، «اکو»ی اسپیواک و «علم شبه خدا»ی پیتتر هستند.

در نهایت، دامروش برنامه خود را طبق IWL که در سال ۲۰۱۱ برگزار شد، غنی کرد: «ادبیات را می‌توان از طریق مطالعات پراکنده و مطالعات دقیق بین‌متنی تطبیق داد.» وی همچنین به بررسی چندین اثر و نویسنده پرداخت: فرانکو مورتی در مقابل غزلیات (پتراچ، وایت، لوئیز لبه، شکسپیر، سور خوانا اینس د لا کروز: «اشعار آرتک»، هیگوچی اوچیو: «راه‌های جدا»، جیمز جویس: «خواهران یا اولین»، کلاریک لیسپکتور: «تولدت مبارک»)^۵. اعضای سمینار به مطالعه فرهنگ‌ها، مرکز و پیرامون، مقایسه گوگول: «دفترچه خاطرات یک مرد دیوانه»، شارلوت برکینز گیلمن:^۶ «کاغذدیواری زردرنگ»، لو یون:^۷ «خاطرات مرد دیوانه» پرداختند. آن‌ها همچنین درباره جهانی‌شدن و سیاست زبان‌ها بحث کردند: از سلمان رشدی: «وطن‌های خیالی» و «چکو و زولو»، از رابرت جی. سی. یانگ «ادبیات جهانی و پسااستعماری»، از استفان اوون: «حرکت پیش و پس؛ مسائل مربوط به اشعار جهانی»، و همچنین درباره رسانه مثل دنیسون لوپز: «سینمای جهان و جهان سینما»، جسیکا پرسمن:^۸ «استراتژی در مدرنیسم دیجیتالی» به بحث می‌پرداختند و به مثال‌های متعددی از فیلم‌ها و ادبیات رسانه‌ای ارجاع می‌دادند.

نویسندگان این گزارش در برخی فعالیت‌های انجمن ادبیات جهان حضور فعالی داشتند. سزار دومینیگز در کنفرانس پکن در سال ۲۰۱۱، برنامه «ادبیات جهان در اسپانیا» را ترتیب داده است. آسونسیون لوپز-وارلا در کنفرانس‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ حضور داشت. روی هم رفته تجربیات این دو نفر بسیار مفید و پربار بوده است.

انجمن ادبیات جهان فضایی دانشگاهی ترتیب داد تا محققان مجرب از مکان‌های مختلف با پیشینه، سن، دانش و علایق متفاوت دور هم جمع شوند و درباره ادبیات به بحث و گفتگو بپردازند. این سمینارها

¹ Ovid, Rousseau, Hoffmann, Shelley, Gogol, Borges, Nabokov, Kafka, Coetzee, and Pamuk,

² Freud, Jung, Lacan

³ Grottesque

⁴ Magic Realism

⁵ Petrarch, Wyeth, Louise Labé, Shakespeare, Sor Juana Inés de la Cruz, Higuchi Ichiyo, James Joyce, Clarice Lispector

⁶ Charlotte Perkins Gilman

⁷ Lu Xun

⁸ Jessica Pressman

درواقع، شکاف علمی موجود در این رشته را از بین برده است و راه را برای اعضای جوان که به ادبیات جهان علاقه‌مند و به دنبال پیشرفت شغلی هستند، هموار کرد و همچنین به محققان پیشکسوت فرصتی داد تا در این گردهمایی با یکدیگر آشنا شوند و در کشور میزبان بتوانند جهان‌وطنی و رابطه نزدیک را تجربه کنند. برخلاف توریستی که تنها به دیدن بعضی جاذبه‌های گردشگری اکتفا می‌کند، تجربه حضور در انجمن ادبیات جهان و آموزش دانشمندان از نقاط مختلف جهان در محیطی دوستانه موقعیت همه جانبه‌ای را در کشور میزبان پدید می‌آورد. اعضای انجمن فرصتی داشتند تا دوستی‌های ماندگار و زنجیره علمی محکمی را ایجاد کنند. همان‌طور که امیلی هیمن (دانشگاه کلمبیا)، گنگچن چن (دانشگاه سابانسی) و یانپینگ ژانگ (دانشگاه هاروارد) با هم تلاش کردند تا به روش‌های مختلف به شرکت‌کنندگان در کنفرانس‌ها کمک کنند و از این طریق خاطره‌ای بسیار ارزشمندتر از این همایش در یادها باقی ماند.

References

- Bernheimer, Charles. (1995) 'Introduction: The Anxieties of Comparison', in Bernheimer (ed.), *Comparative Literature in the Age of Multiculturalism*. Baltimore: The Johns Hopkins University Press, pp.1–17.
- Birus, Hendrik (2005). "The Co-Emergence of Weltliteratur and littérature comparée." *Comparative Literature in an Age of Multiculturalism*. Eds. Reingard Nethersole and Ina Gräbe. Pretoria: Unisa, pp. 26–35.
- Braider, Christopher (2009) Review of *What Is World Literature?; The Buried Book: The Loss and Rediscovery of the Great Epic of "Gilgamesh"; and The Longman Anthology of World Literature, Compact Edition*. By David Damrosch. *Recherche Littéraire / Literary Research* 25. pp.58–64.
- Brown, Marshall (2011). "Encountering the World." *Neohelicon* 38.2. pp. 349–65.
- Casanova, Pascale (2004). *The World Republic of Letters*. Trans. M.B. DeBevoise. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Clifford, James (1998). "Mixed Feelings." *Cosmopolitics: Thinking and Feeling beyond the Nation*. Eds. Pheng Cheah and Bruce Robbins. Minneapolis: University of Minnesota Press, pp. 362–70.
- Culler, Jonathan (2006). "Comparative Literature, at Last." *Comparative Literature in an Age of Globalization*. Ed. Haun Saussy. Baltimore: The Johns Hopkins University Press, pp. 237–48.
- D'haen, Theo (2012). *The Routledge Concise History of World Literature*. London: Routledge.
- D'haen, Theo, David Damrosch and Djelal Kadir, eds. (2012). *The Routledge Companion to World Literature*. London: Routledge.
- D'haen, Theo, César Domínguez, and Mads Rosendhal Thomsen, eds. (2013) *World Literature. A Reader*. London: Routledge.
- Damrosch, David (2003). *What Is World Literature?* Princeton: Princeton University Press.

- Damrosch, David (2006). "Rebirth of a Discipline: The Global Origins of Comparative Studies." *Comparative Critical Studies* 3.1-2, pp. 99-112.
- Damrosch, David (2009). *How to Read World Literature*. Oxford: Wiley-Blackwell.
- Derrida, Jacques (2001). *L'Université sans condition*. Paris: Galilée.
- Đurišin, Dionýz (1989). *Theory of Interliterary Process*. Trans. Jessie Kocmanová and Zdenik Pišteck. Bratislava: Veda.
- Espagne, Michel (1993). *Le Paradigme de l'étranger: Les Chaires de littérature étrangère au XIXe siècle*. Paris: Éditions du Cerf.
- Étiemble, René (1975). *Essais de littérature (vraiment générale)*. 3rd ed. Paris: Gallimard.
- Fokkema, Douwe W. (1982). "Comparative Literature and the New Paradigm." *Canadian Review of Comparative Literature / Revue Canadienne de Littérature Comparée* 9, pp. 1-18.
- Foucault, Michel (1995). *Discipline and Punish: The Birth of the Prison*. Trans. Alan Sheridan. New York: Vintage.
- Goethe, Johann Wolfgang von (1994). *Essays on Art and Literature*. Ed. John Gearey. Trans. Ellen von Nardroff and Ernest H. von Nardroff. Vol. 3 of *The Collected Works*. Princeton: Princeton University Press.
- Gorki, Maxim (1946). "World Literature." *Literature and Life*. Trans. Edith Bone. London: Hutchinson International Authors, pp. 90-93.
- Greene, Thomas (1995). "The Greene Report, 1975. A Report on Standards." *Comparative Literature in the Age of Multiculturalism*. Ed. Charles Bernheimer. Baltimore: The Johns Hopkins University Press, pp. 28-38.
- Guillén, Claudio (1993). *The Challenge of Comparative Literature*. Trans. Cola Franzen. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Lennon, Brian (2010). *In Babel's Shadow: Multilingual Literatures, Monolingual States*. Minneapolis: The University of Minnesota Press.
- Levin, Harry (1995). "The Levin Report, 1965. Report on Professional Standards." *Comparative Literature in the Age of Multiculturalism*. Ed. Charles Bernheimer. Baltimore: The Johns Hopkins University Press, pp. 21-27.
- Marx, Karl (1990). *Capital: A Critique of Political Economy*. Trans. Ben Fowkes. 3 vols. London: Penguin.
- Miller, J. Hillis (2011). "Globalization and World Literature." *Neohelicon* 38.2, pp. 251-65.
- Moretti, Franco (2000). "Conjectures on World Literature." *New Left Review* 1, pp. 54-68.
- Moretti, Franco (2003). "More Conjectures." *New Left Review* 20, pp. 73-81.
- Moretti, Franco (2007). *Graphs, Maps, Trees: Abstract Models for Literary History*. London: Verso.
- Mufti, Aamir R. (2010) "Orientalism and the Institution of World Literatures." *Critical Inquiry* 36.3, pp. 458-93.
- Ning Wang (2011). "Introductory Remarks." *Neohelicon* 38.2, pp. 245-47.
- Nussbaum, Martha C. (2010). *Not for Profit: When Democracy Needs the Humanities*. Princeton: Princeton University Press.

- Puchner, Martin (2005). *Poetry of the Revolution: Marx, Manifestos, and the Avant-gardes*. Princeton: Princeton University Press.
- Remak, Henry H.H. (1961). "Comparative Literature: Its Definition and Function." *Comparative Literature: Method and Perspective*. Eds. Newton P. Stallknecht and Horst Frenz. Carbondale: Southern Illinois University Press, pp. 3-57.
- Robbins, Bruce (1999). *Feeling Global. Internationalism in Distress*. New York: New York University Press.
- Saussy, Haun (2006). "Exquisite Cadavers Stitched from Fresh Nightmares: Of Memes, Hives, and Selfish Genes." *Comparative Literature in an Age of Globalization*. Ed. Haun Saussy. Baltimore: The Johns Hopkins University Press, pp. 3-42.
- Spivak, Gayatri Chakravorty (2003). *Death of a Discipline*. New York: Columbia University Press.
- Strich, Fritz (2008). *Goethe and World Literature*. Trans. C.A.M. Sym. London: Routledge & K. Paul, 1949. Thomsen, Mads Rosendhal. *Mapping World Literature. International Canonization and Transnational Literatures*. London: Continuum.
- Tihanov, Galin (2011). "Cosmopolitanism in the Discursive Landscape of Modernity: Two Enlightenment Articulations." *Enlightenment Cosmopolitanism*. Eds. David Adams and Galin Tihanov. London: Legenda, pp. 133-52.
- Van Tieghem, Paul (1946). *La Littérature comparée*. 3rd ed. Paris: Librairie Armand Colin.
- Wellek, René (1965). "The Crisis of Comparative Literature." *Concepts of Criticism*. New Haven: Yale University Press, pp. 282-98.
- Wellek, René and Austin Warren (1984). *Theory of Literature*. 3rd ed. New York: Harcourt Brace.
- Zhang Longxi (2009). "What Is Literature? Reading across Cultures." *Teaching World Literature*. Ed. David Damrosch. New York: The Modern Language Association of America, pp. 61-72.

HOW TO CITE THIS ARTICLE

Amir Aminian Toosi (2016) *Disclosures: A Report on the World Literature Association and the Institute for World Literature*.

[Persian translation]. *Language Art*, 1(1): 81- 102, Shiraz, Iran.

DOI: 10.22046/LA.2016.06

URL: <http://www.languageart.ir/index.php/LA/article/view/6>





TRANSLATED PAPER

Disclosures: A Report on the World Literature Association and the Institute for World Literature¹

Amir Aminian Toosi*

Ph.D. Candidate of English language and literature
at Shiraz University International Division (SUID),
Shiraz, Iran.



(Received: 11 July 2016; Accepted: 15 August 2016)

The current article is an attempt to cover conferences and discussions on redefining the meaning of literature, not only in its typical sense, but also in its broader sense. In fact, the text is trying to find the complicated meaning and relationships in literature in different societies, cultures, and aims to find similarities and common areas in this field. Literature in a sublime position is capable to influence on politics, economy and sociology, and it has a major and functional role other than intertextuality.

The present report exemplifies some conferences by outlining their most important goals and tries to find an obvious guideline to research in today's literature and its future.

Keywords: Association, Literature, Globalization, Seminar, Interdisciplinary.

¹ This review has been published by Domínguez, César and Azcárate, Asunción López-Varela. in *Literary Research*, Vol.29, No 57-58, 2013, p. 77-97 in English and now translated to Persian by Amir Aminian Toosi.

* E-mail: aminian68amir@gmail.com